

نمودند و خود را آماده کردند. ولی ما حتی تا رسیدن بحران به مرزهای کشورمان به آن بی توجه بودیم و آن را باور نکرده بودیم. توجه غیر علمی مان این بود که چون رگ‌های تجاری ما متصل به شریان‌های جهانی نیست، از این نظر در مصونیت خواهیم بود.

### چشم‌اندازی نه چندان روشن

تقریباً یک سال از این بحران می‌گذرد و اغلب کشورها با ایجاد تمهیداتی از قبیل کمک‌های ارزی و مالی، کاهش بهره، تعلیق اقساط و بدهی‌ها، حذف جریمه‌های دیرکرد، افزایش تعرفه‌ها و موارد مشابه، بحران را تا حد ممکن مهار نموده‌اند، اما سیاستمداران و دولتمردان ما هنوز در حال تهیه بسته‌های حمایتی خود - آن هم بدون نظرسنجی و نظرخواهی از بخش‌های نگران و درگیر این بحران - هستند. نه تنها تسهیلات یاری‌بخش ندادیم، بلکه تسهیلات قبلی را هم با کاهش داده و یا آن را قطع کرده‌ایم. نه تنها بهره‌ها را کاهش نداده‌ایم بلکه بهره وام‌های صنعتی را از ۱۲ درصد به ۱۶ درصد و ۲۲ درصد و بالاتر افزایش داده‌ایم. نه تنها پرداخت اقساط معوق را تعلیق نکردیم، بلکه تولیدکننده ناتوان در پرداخت اقساط را بازداشت کردیم. بی تردید این روند، سطح تولید ناخالص ملی را کاهش خواهد داد و ما را روز به روز به واردات بیشتر از کشورهای دیگر، نیازمندتر و فرصت را برای حفظ درآمد و اشتغال بیشتر نیروی کار سایر کشورها فراهم‌تر خواهد نمود. ■

داخلی حمایت کرده و درها را به روی واردات ارزان می‌بندند. در مقطع رکود در بخش تجارت جهانی، تلاش کشورها برای داشتن سهم بیشتر از بازارهای مصرف و با اتکا به قیمت‌های ارزان‌تر افزایش می‌یابد. به طور خلاصه، اگر مکانیزم تنظیم تعرفه را بر مبنای کارشناسی و در جهت مصلحت کل جامعه اعم از مصرف‌کننده و تولیدکننده برنامه‌ریزی و مدیریت نماییم از ایجاد آسیب به اقتصاد خانواده و صدمه به بنیه تولیدی کشور خواهیم کاست.

به علاوه، در صورتی که دولت‌ها دوام و بقا و محبوبیت خود را صرفاً در تأمین بالا و راحت جامعه ببینند و به بقیه فاکتورها بی‌توجه باشند، جامعه در میان‌مدت صدمه می‌بیند. علاقه‌مندان به مقوله واردات می‌گویند وقتی می‌توان جنس ارزان و سریع را در اختیار مصرف‌کننده گذاشت، چرا باید قیمت‌های بالایی به جامعه تحمیل کرد؟ این اندیشمندان باید توجه کنند که وقتی تولیدکننده داخلی حمایت نمی‌شود، عوارض سنگین و کمرشکن به او تحمیل می‌شود و بهره‌وری نیروی کارش به اتکای حمایت‌های سیاسی‌گونه و اهدای تسهیلات بالا و مخرب در پایین‌ترین حد ممکن می‌باشد، چگونه می‌تواند با غول‌های تولید و تجارت جهانی در یک عرصه رقابت داشته باشد؟ با نگاهی به نحوه برخورد سایر کشورهای دنیا در کنترل بحران جهانی، مظلوم و بی‌پناه بودن تولیدکننده ایرانی بیشتر آشکار می‌شود. اغلب کشورها از مدت‌ها پیش، بحران را پیش‌بینی و در جهت خنثی‌سازی تهدیدات و هجوم‌های آن برنامه‌ریزی

## دولت‌ها و سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی

# مدرنیته اقتصادی در محاق سنت

## تحلیل دکتر غلامرضا اسلامی بیدگلی، استاد دانشگاه تهران، در رابطه با سیاست‌گذاری مالی و پولی دولت

برای کشور تعریف و تنظیم نشده است و هیچ‌گونه شالوده، پارادایم و الگویی برای اداره امور اقتصادی نداریم، سخن گفتن از بانکداری، گمرک، اصلاح وضع بهداشت و سایر موارد، سخنی گزاف و بیهوده است. پس مقررات موجود، اولاً کارایی و اثربخشی ندارند، ثانیاً، این عدم کارایی در کشور تاکنون نادیده گرفته شده است، چراکه با مطالعات گسترده‌تر می‌توان دریافت که تئوری‌های اقتصادی موجود در کشور یا تئوری‌های سنتی هستند و یا در تئوری‌های مدرن هم حداکثر تئوری‌های دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ راهنمای عملکرد اقتصادی مجریان کشور می‌باشند و طی ۷۰ تا ۸۰ سال اخیر، هنوز به تئوری‌های روز نرسیده‌ایم.

### پارادایم‌های سنتی و مدرن

متأسفانه پارادایم‌های مالی و اقتصادی در ایران در مرحله سنتی قرار دارند و بخش کوچکی از آنها وارد مرحله مدرن شده‌اند. در این رابطه می‌توان به بحث تفریح بودجه در کشور اشاره کرد که عملاً مقایسه عملکرد آن با اصل بودجه همواره مدنظر بوده است. آنچه در رابطه با عملکردها در کشور ما هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفت، بحث تفریح برنامه است. در صورت حاکمیت تفریح برنامه است که ضعف بخش‌ها در اجرا و یا ضعف برنامه‌ریزی از هم تفکیک خواهد شد. از طرفی متأسفانه برنامه‌های ۵ ساله کشور بدون توجه به امکانات بالفعل و بالقوه تدوین شده‌اند. نمونه بارز آن ناتوانی وزارت نفت و دستگاه‌های مربوطه در پیش‌بینی افت بهای نفت در سال‌های اخیر است. سؤال این است که با همه

همه علوم دنیا تا به امروز چهار مرحله تکاملی را طی کرده‌اند که این مراحل به ترتیب عبارتند از مرحله باستانی، سنتی، مدرن و نوین. پیشرفتگی و طبقه‌بندی این علوم، بر اساس این که از چه زمانی به وجود آمده‌اند و به چه صورت تکامل یافته‌اند انجام می‌گیرد. علوم اجتماعی و اقتصادی که بیشتر موضوع بحث ما هستند از قدمت تاریخی زیادی برخوردار نیستند و این علوم، حدوداً از قرن سیزدهم با مطرح شدن یک سری تئوری‌های اجتماعی و اقتصادی، وارد طبقه‌بندی‌های مذکور شدند. بنابراین تا قرن سیزدهم را می‌توان دوره باستانی علم اقتصاد و از قرن سیزدهم تا بیستم را مرحله سنتی نامید. علاوه بر آن، مرحله مدرن از اوایل قرن بیستم تا سال ۱۹۷۰ به طول انجامید و از آن سال تاکنون، تئوری‌های نوین علم اقتصاد مطرح شده‌اند. تفاوت دیدگاه‌های فوق و قوانین و مقررات هر دوره از تاریخ، عامل اصلی تفکیک اهرم‌ها، روش‌ها و برنامه‌های اتخاذی خواهد بود. به عنوان مثال، قانون تجارت موجود در بسیاری از موارد بر مبنای قوانین و روش‌های حاکم در اعصار گذشته تهیه و تدوین شده است و در شرایط کنونی نمی‌تواند گره‌گشای مشکلات سهام‌داران جزء امروز کشور باشد. ما در ایران روی کاغذ، قوانین و مقررات کنترلی خوبی داریم. دیوان محاسبات کشور، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی کشور، بازرسی کل کشور، مجلس و مجامع عمومی شرکت‌ها از جمله سازمان‌هایی هستند که بر اجرای درست قوانین و مقررات نظارت می‌کنند، اما متأسفانه ساختار تئوریک این نظام‌ها بر پایه ۷۰ درصد سنتی و تنها ۳۰ درصد تئوری‌های مدرن - آن هم تئوری‌های ۱۹۲۰ - استوار است.

بنابراین، ما اصلاً از مرحله مدرن به تئوری‌های نوین نرسیده‌ایم و به عبارت دیگر، آنچه انجام شده، وصله بر وصله دوختن است. به عنوان مثال، یکی از مسائلی که در دستور کار قرار گرفته، تجدید نظر در قوانین بانکداری اسلامی است. در پاسخ به این ایده، باید گفت در شرایطی که اصولاً پارادایم اقتصادی

توانمندسازی افراد باشند که در این صورت، به اعتقاد من ابتدا باید درآمدهای مردم را افزایش دهیم.

درآمدهای مردم را می‌توان به سه دسته درآمدهای جاری - مانند حقوق دریافتی - درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری - مانند درآمدهای پس‌انداز و خرید سهام - و یارانه‌ها تقسیم کرد. هر فرد بخشی از درآمد خود را به عنوان مالیات پرداخت می‌کند و بقیه را تحت عنوان درآمد قابل تصرف، صرف هزینه‌های جاری و پس‌انداز می‌کند. حال اگر از افراد مالیات گرفته نشود، آن بخش از درآمد که به عنوان مالیات پرداخت می‌شود، جزوی از درآمد قابل تصرف وی خواهد بود و بنابراین پس‌انداز هر فرد افزایش می‌یابد. به عبارتی چنین می‌توان گفت که علیرغم آن که مالیات‌ها اصلی‌ترین توجه دولت‌ها در تأمین مالی هزینه‌های هر کشور هستند، اما عدم دریافت مالیات از چهار گروه اصناف جزء، پیشه‌وران جزء، مزدبگیران و حقوق‌بگیران می‌تواند به افزایش سطح پس‌انداز و استفاده از مزایای ناشی از آن بی‌انجامد. این خود در کنار ایجاد بازار سرمایه مناسب و فرهنگ‌سازی در اصلاح الگوی مصرف مردم، می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را در جهت مناسب آن قرار داده و با حرکت در کانال‌های تولید، زمینه‌ساز توسعه کشور شود.

الگویی که می‌توان برای اصلاح قیمت‌ها ارایه کرد آن است که باید مثلاً در یک بازه چهار ساله از افسار آسیب‌پذیر حمایت کنیم ولی با اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، فرد تحت حمایت را از قطع این حمایت‌ها بعد از چهار سال مطلع نماییم و در این مدت هم به سمت قطع این حمایت‌ها حرکت کنیم. بعد از گذشت این زمان با افزایش قیمت‌ها توانسته‌ایم توانمندسازی را نیز در رأس کارها و برنامه‌هایمان قرار دهیم. در این راستا همان گونه که ذکر شد، توسعه بازار سرمایه از مهمترین اصول است. متأسفانه در سال‌های اخیر، در بحث خصوصی‌سازی راه را اشتباه رفتیم، چراکه درآمد نفت، مخارج عمومی، سرمایه‌گذاری و ذخیره ارزی دولت باید در سرمایه‌گذاری‌های مکمل و زیربنایی صرف و از سرمایه‌گذاری‌های رقیب خارج می‌شد که متأسفانه به این شکل عمل نشده است. ■

امکانات بالقوه و بالفعل موجود، چرا قادر به برنامه‌ریزی صحیح نیستیم؟ با این حساب، برنامه‌ریزی را باید با در نظر گرفتن امکانات بالقوه‌ای که در کشور وجود دارد انجام داد، چراکه برنامه‌ریزی در ایران، فارغ از پتانسیل‌های موجود و به دور از بررسی‌های مربوط به امکانات و اولویت‌ها صورت پذیرفته است. نتیجه این امر، برخی مشکلات در کشور است که روزمره‌ترین آن را می‌توان در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دانست. عواملی که باعث این افزایش می‌شوند عبارتند از: (۱) تورم وارداتی، (۲) افزایش نرخ پیشرفت تکنولوژی، (۳) افزایش نرخ دستمزدها، (۴) افزایش قیمت‌های خدماتی و کالاهای دولتی و (۵) نقدینگی. در کنار همه این عوامل، بخش عمده‌ای از افزایش تورم، ناشی از افزایش حجم نقدینگی در جامعه است که این افزایش، معمولاً ناشی از بروز کسری بودجه خواهد بود که متأسفانه عامل مهمی را که می‌توان در این رابطه به آن اشاره کرد، عدم انضباط مالی دولت است. با همه این احوال، نکته حایز اهمیت این است که چگونه می‌توان تأثیرات این عوامل را بر یکدیگر مدیریت نمود. در واقع حتی با وجود نقدینگی بالا می‌توان با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب، تورم را کنترل کرد. در حال حاضر، کسری بودجه ما قابلیت مدیریت را دارد و می‌توان با مدیریت بهینه، کسری بودجه و مشکلات ناشی از آن را برطرف کرد. به عنوان مثال می‌توان در شرایط کنونی و در راستای بررسی و تحلیل مسایل مربوط به کنترل هزینه‌ها و درآمدها به نمونه‌ای مختصر که دولت نهم به جد به دنبال عملی کردن آن بود - نقدی کردن یارانه‌ها - پرداخت. بنده اعتقاد دارم بهتر است این ضرب‌المثل معروف چینی را که می‌گوید "به جای ماهی، ماهی‌گیری را بیاموز" اصلاح کنیم و بگوییم "به جای ماهی، استخرهای پرورش ماهی بسازیم".

### مردم و یارانه‌ها

در مورد حمایت از مردم و پرداخت یارانه‌ها دو نظریه در اقتصاد وجود دارد. اول این که دولت‌ها باید حمایت‌گرا باشند و با پرداخت یارانه به مردم از آنها حمایت کنند. دیگر این که دولت‌ها باید به جای پرداخت مستقیم، به دنبال

### روابط خارجی ایران: واقعیت‌ها و ابهامات

## تنش با اروپا و آرامش با آمریکا؟

### تحلیل دکتر سید علی خرم، استاد دانشگاه و سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در ژنو

#### دوره‌های تنش اروپایی

در حال حاضر، این سومین دوره تنش در عمر ۳۰ ساله جمهوری اسلامی ایران با اروپا به شمار می‌رود. از دوره اول تنش که مصادف با گروگانگیری

دیپلمات‌های آمریکایی در ایران و حوادث و مسایل مربوطه به آن در سال‌های اول انقلاب یعنی سال‌های ۶۰-۵۸ مصادف بود گرفته تا دوره جدید تنش میان ایران و اروپا که در آن، موضوع مورد اختلاف، حمایت اروپا از دموکراسی‌خواهی مردم و انتخابات آزاد در ایران است، همواره ایران و کشورهای اروپایی در روابط خود با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. ایده‌آل اتحادیه اروپا به طور خاص و سازمان ملل متحد به طور عام، رسیدن به حکمرانی مطلوب "Good Governance" می‌باشد. تبدیل آن به نظارت،

در ۳۰ سال گذشته همواره این تز در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته که برای محاق قرار دادن آمریکا بایستی روابط سیاسی اقتصادی را با اروپا گسترش داد و در غیاب آمریکا از حضور اروپا مدد گرفت. در مورد قدرت سیاسی بین‌المللی و حتی قدرت اقتصادی آمریکا در آن حد چشم‌پوشی عمدی صورت گرفته که قدرت اروپا را آلترناتیوی برای ایالات متحد دانسته‌اند. به همین دلیل است که همواره جمهوری اسلامی ایران در صحنه آپک مطرح‌کننده مسأله ترویج یورو به جای دلار بوده تا بر این اساس قدرت آمریکا در قبال اروپا افول کند.

جدای از این که این تز و این تلاش جقدر عملیاتی و مؤثر می‌باشد، در دو ماه اخیر شاهد دور جدیدی از تنش با همین آلترناتیو اروپایی بوده‌ایم. اتحادیه اروپا - بنا به گفته فوق - اولین شریک تجاری ایران بوده و سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار حجم روابط دوجانبه را به خود اختصاص داده که رقمی در حدود یک سوم تا یک چهارم کل تجارت ایران با جهان می‌باشد.

